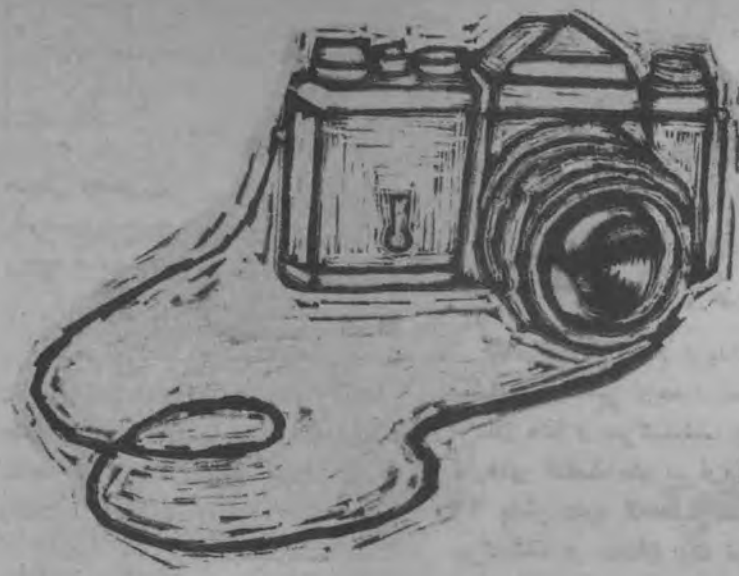


# آنچه دوربین عکاسان ما نمی بیند



۴۷۰ عکس در بخش مسابقه شرکت داده شد و ۱۱۰ عکس از حرفه‌ای‌ها در هر رشته: دفاع مقدس، زندگی، فرهنگ، هنر و معماری، طبیعت و تکنیک عکاسی به نمایش درآمد. در کنار نمایشگاه عکس سه برنامه سخنرانی و سه جلسه گفتگو با عکاسان جوان نیز برگزار شد. آنچه می‌آید نقد و گزارشی است از رویدادی که می‌تواند تاثیر بسیار برجای بگذارد.

چشمواره فیلم در پنجمین سال خود، دومین نمایشگاه عکس را از ۶ تا ۱۴ فروردین امسال در موزه هنرهای معاصر برگزار کرد. در این نمایشگاه ۳۵۷ عکاس، ۳۰۸۰ اثر خود را به نمایش گذاشتند. از ۴۷ عکاس حرفه‌ای شرکت کننده ۴۸۰ عکس و از ۳۳۰ عکاس آماتور ۳۶۰۰ عکس در این نمایشگاه ارائه شد. از آثار آماتورها

گزارشی از  
دومین جشنواره عکس  
سینمای جوان

«کوهستانی ۷» تاریخ سال ۱۳۶۳ را دلود. از بیست و نه تابلو چهار تابلو سیاه قلم است و بقیه رنگ روغن. با آنکه بنا بر گزارشی بروشور نمایشگاه و به استناد آن هنرمند از پنج سالگی با هنر نقاشی آشنا شده و به نقاشی پرداخته است. یبندۀ آگاه با نگاه کردن به تابلوها کمتر نشانی از پختگی در به کارگیری آگاهانه عناصر هنر نقاشی در تابلوها می‌بیند و این عدم آگاهی به ابزار بیان در کاربرد رنگ، خط و ترکیب بندی دیده می‌شود و از آنچه در بروشور درباره اطلاعات او در زمینه تاریخ هنر، سبک‌شناسی و مباحث زیبایی-شناسی و عرفان آمده است نیز به دور است.

الملك، نگارخانه مهرشاه، سال ۱۳۵۴  
نمایشگاه گالری شیخ، شیراز، ۱۳۵۵  
نمایشگاه انفرادی از چهره‌های فولکور و چشم انداز. ایرانی، در سال ۱۳۶۳.  
در این نمایشگاه بیست و نه تابلو از آثار هنرمند در اندازه‌های مختلف به نمایش گذاشته شده که در سالهای مختلف نقاشی شده‌اند. قدیمی ترین آنها برمی گردد به سالهای ۱۳۵۲ و آخرین آنها با نام



چشم اندازها

## نمایشگاه نقاشی نامی پتگر

دومین نمایشگاه گالری رضا شهبابی با نام «چشم اندازها» اختصاص دارد به آثار نامی پتگر.  
نامی پتگر در آذرماه ۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمد. از پنج سالگی زیر نظر پدرش استاد پتگر به نقاشی پرداخت و در بیست سالگی موفق به تأسیس آموزشگاه مستقل هنر نقاشی در تهران شد.  
نامی تاکنون نمایشگاههای متعددی از آثار خود ترتیب داده است که مهم ترین آنها عبارت انداز: نمایشگاه انفرادی، گالری مس، سال ۱۳۵۱ نمایشگاه مکتب کمال-



بیست و نه تابلوی ارائه شده در این نمایشگاه منهای عناصر سازنده آنها ارتباطی به غنای طبیعت سرزمین ما ندارد؛ چه رسد به اینکه این طبیعت سرایی را با اندیشه‌ای از عرفان تطبیقی و اساطیر ایران و هند و طریقت ذن درهم بیامیزیم و با انتخاب وجه صوری مینیاتور توهم پیوند با سنت‌های هنر گذشته این سرزمین را ایجاد کنیم. هنری که اندیشه و زبان و مبانی زیبایی شناختی و شیوه رنگ‌گزاری و خط و ترکیب بندی آن ویژگی والایی در آثار گذشتگان ما دارد.

یحیی بشیری

## یاد نمی‌گیریم که ببینیم

بخش زندگی جشنواره مانند سال پیش غنی‌ترین بخش آن بود. در چنین مسابقه‌ای از سراسر کشور این بخش هنوز هم تنوع جذابی از مردم سرزمین ما ارائه می‌دهد. عکاسان آماتور زیادی به دلیل علاقه‌مندی به این نوع عکاسی در ایران به سمت آن جذب شده‌اند، لیکن تعداد کمی از آنان صاحب نظر گاه‌های خاصی هستند که از طریق عکس توانسته باشند آنرا القا کنند. هر چند این قضاوت به‌خاطر نحوهٔ چیدن و انتخاب عکسها می‌تواند شتابزده باشد اما بدرستی می‌توان گفت که تفکر و نظریه در پشت عکسها ضعیف است و این اشکال سرچشمه‌اش فقر فرهنگی عکاسان جوان ماست. سهل و ممتنع بودن فن عکاسی، دستیابی سریع به يك تصویر را ممکن می‌ساخته و عکاسان خودروی بسیاری را در اقصی نقاط این سرزمین بوجود آورده است. نبود امکانات فرهنگی مناسب بخصوص در شهرستانها و نبود راهنمایی‌های برنامه‌ریزی‌شده سبب می‌شود که جوانان خوراک ذهنی لازم را به کف نیاورند. در نتیجه همین اندازه‌ممازست و علاقه‌مندی نیز ستودنی است و توقع بیشتر داشتن شاید از غیر واقعی دیدن مساله برخیزد. عکاس جوان شهرستانی از شروع

## \* چرا در کشوری با این گونه‌گونی اقلیمی، عکاسان از ارائه تصاویر بدیع این مرز و بوم عاجزند؟

گذشته از عکاسان آماتور، عکاسان حرفه‌ای این بخش نیز با وجود امکانات فراوان توقع بیننده را ناکام می‌گذاشتند. حداقل ۷ عکس عکاسان حرفه‌ای، صرفاً یادگاری است. یادگاری از سر بازی جوان، با لباس کامل جنگی، يك سلاح سنگین در پهنه بیابان و بدون حرفی تازه برای گفتن. عکس از صفوف کثیر سربازان یا بسیجیان که مشغول رژه هستند و پرچمهای خود را برافراشته‌اند. به نظر می‌رسد عکاس حرفه‌ای جنگی باید جسورانه‌تر و هوشمندانه‌تر به ثبت ماقوع بپردازد تا بیننده علاوه بر کسب خبر، حداقل به‌شرایط دشوار جنگ هم پی‌ببرد. چشم بیننده ایرانی پس از شش سال جنگ تحمیلی و هشت سال پس از انقلاب اسلامی، از کثرت جمعیت موجود در يك قاب تحریک نمی‌شود. نقاط درخشان تصویری جنگ در مکانهای دیگر است که باید مورد مکتشفه عکاسان قرار می‌گرفت.

در يك نگاه به بخش دفاع مقدس چه آماتور و چه حرفه‌ای، می‌توان پی‌برد که مساله جنگ تا چه حد می‌توانست مورد موشکافی عکاسان این رشته قرار گیرد. حال آنکه عکسهای ارائه‌شده در این بخش اکثراً از پشت جبهه، آنهم در حد شعار و تبلیغات تکراری باقی‌مانده است و به‌ندرت صحنه‌هایی از جنگ ارائه شده است که از این پدیده استنباطی انسانی به‌دست دهند و بیانگر حالات روحی سربازان، مهاجران، آوارگان، اسیران و یا دیگر افراد درگیر با جنگ باشند. در نمایشگاه امسال دو موضوع خاص سوژهٔ اکثر عکسها بود: اول خرابی‌هایی که در جنگ به وجود آمده‌اند و دیگر آماده‌سازی سربازان و حالات بدرقه‌کنندگان آنان.

در مورد عکاسان آماتور توقع ثبت لحظات حیاتی شاید بیجا باشد، چرا که امکان شرکت نزدیک و مستمر يك عکاس آماتور علاقه‌مند در جنگ فراهم نیست، اکثر اینان در شهرستانهای محل اقامت خود فقط می‌توانند شاهد بازتاب مسائل جنگ باشند، اما این عدم امکان نمی‌تواند توجیهی برای کم‌درایتی عکاس آماتور باشد، او در ازای فقر امکانات هنرمندی است با ذهن مستقل و باید بتواند پیشن خود را راجع به يك موضوع در اثر خود بیان کند.

## جلوهٔ بدیع در گردش قلم

در موزهٔ هنرهای معاصر آثار خوشنویس جوان جواد بختیاری برپاست، به‌دیدنش می‌آرزید. بختیاری با نمایش ۵۷ اثرش در این موزه می‌تواند به‌عنوان يك هنرمند خوب مطرح باشد و استعداد آن را نیز دارد، او متولد ۱۳۳۵ بروجرد است. تحصیلاتش را در زمینهٔ هنری در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران به‌پایان برده و خوشنویسی را نیز نزد استادان این فن آموخته است... آندوخته‌های دانشگاهی و علاقه و استعداد او در امر خوشنویسی هنرش را تعالی بخشیده و تواناییهای خاصی را در آثارش به‌وجود آورده است. به‌خصوص که هنوز جوان است و پختگی و انسجام و کمال بیشتری در انتظار اوست. وقتی سوز و عشق کار با همهٔ ظرافت هنری همراه شد «خود زاه بگویدت که چون باید رفت». بختیاری‌مدرس انجمن خوشنویسان است و نمایشگاههای جمعی و انفرادی زیادی داشته است از جمله در پاکستان، ترکیه، استیتو گوته و مجموعه فرهنگی آزادی. اکثر تابلوهای نمایشگاه کنونی که در آنها نقاشی به کمک خط شناخته، با دید و ظرافت خاصی مجموعه‌هایی

با دنگ قلمی درشت‌تر کتابت شده و کتابتها با مهارت خاصی چلیپاها را تنگاتنگ در آغوش دارد. گاهی تکرار کلمات در ردیفهای معینی و بعضاً با ساینه‌روشنی ملایم تا انتهای کار ذهن بیننده را تا زرفای معانی می‌برد. شیفتگی و مهارت او نه تنها خط بلکه در ترکیب مطلب و به کارگیری از يك ذوق و خلاقیت ویژه در مدهای بلند و گردشهای معکوس نیز ماهرانه می‌کوشد.

دربارهٔ نمایشگاه دو نکته گفتنی است: نکته اول دربارهٔ ترتیب تابلوهاست. نمایشگاه با تابلوهای نقاشی خط آغاز می‌شود ولی آن همه زیباییها در رنگ و طرح یکباره فروکش می‌کند و آثار بعدی به‌حال و هوایی دیگری برمی‌گردد و در نهایت کارها ضعیف می‌شود. چه خوب بود که کلیه آثار یا از تابلوهای نقاشی خط بود - یا حداقل توازنی در گردش قلم داشت تا افکار بیننده را متوجه فقط چند اثر نمی‌کرد. و به انتخابش در قضاوت نمی‌کشاید، دوم اینکه قیمت تابلوها تا حدودی بالاست. با باور این مطلب که این هنر اصیل و مردمی طالبان زیادی دارد و حسرت نداشتن، دسترسی به يك اثر خوب و دلخواه را از آدمی می‌گیرد، گرچه يك اثر خوب و ارزنده را بهاء و معیار معینی نیست.

دیدنی عرضه شده است اکثر آثار نقاشی خط که بصرف یا بیت زیبایی از غزل ناب نام‌آوران ادب است به‌وسیلهٔ رنگهای دلپذیر بعد شگفتی دارد. ضمن اینکه مطالب عالی انتخاب شده آمیختگی رنگها با جلوه‌های بدیع سایه‌روشن مجموعه‌ای به‌یادماندنی در ذهن بوجود می‌آورد.



کار خود چه تعداد عکس دیده و این بخش آموزش دیداری او چقدر تقویت شده و یا چه مقدار از مقولات تئوریک عکاسی آشنا شده که بتواند مسائل خود را با زبان فصیح عکاسی بیان کند و نظرش را در پی آن متجلی سازد.

در سخنرانی روز آخر جشنواره بهمن جلالی در تحلیل کارهای کارهای جشنواره گفت: «از مجموع عکسهای ارسالی حدود ۵۰۰ عکس از تکیه یک گدا و یا سلمانی دوره-گرد وجود دارد، چرا؟» عکاس جوان ایرانی مسائل جامعه خود را به شکل غریزی حس می کند. اما به دلیل عدم شناخت صحیح از روابط اجتماعی خود، مثلا برای نشان دادن فقر سراغ یک گدا می رود، حالا اگر این گدا پیرزنی با چین و چروکهای زیادتر باشد، برای عکاسی مناسبتر! جامعه ما چه روش-هایی برای این شناخت در اختیارش قرار داده؟ اساسا او را تا چه حد تحریک کرده که به این مسائل بیندیشد و مثل دیگر مردمان سراغ کار و درس و کاسبی و تشکیل خانواده و خلاصه الگوی زندگی پدرش نرود. همینقدر که او صاحب روحیه ای است که می خواهد مسئله ای را اگر چه دست و پا شکسته بیان داند جای خوشحالی است. در همان سخنرانی آقای جلالی از یک عکاس جوان نقل قولی کرد که به هر بحثی در این زمینه پایان می دهد: «ما نمی بینیم، یاد نمی گیریم که ببینیم، راهی نیست که ببینیم.»

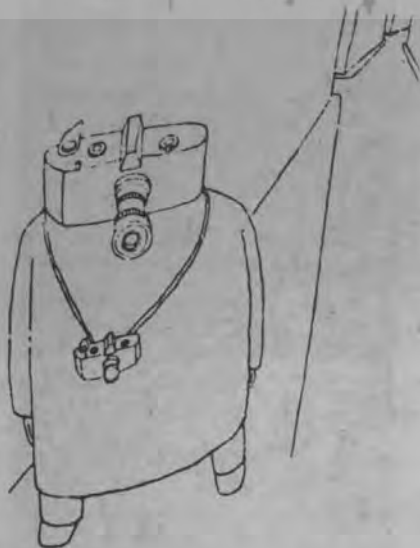
### گونگونگی اقلیمی و ضعف تجربه

بخش طبیعت، معماری و فرهنگ و هنر نیز از این قاعده مستثنا نیست، هیات داوران، تماشاگران، منتقدین جشنواره همه در شکفتند که در کشوری با این گونه گونی اقلیمی، چرا عکاسان در به دست آوردن تصاویر بدیع این مرزوبوم عاجزند؟ عکاسی معماری سوای درک صحیح از ترکیب بندی عکاسی، به اطلاعات مکفی معماری نیاز دارد، آیا عکاسان ما صاحب این اطلاعات هستند تا بتوانند نقاط برجسته تنوع معماری را از زاویه ای صحیح در قابی مقبول عرضه کنند نکات جدیدی را سوای آنچه در کتب معماری و باستانشناسی به تفصیل آمده در تصویر کشف کنند؟ در کنار آن عکاسی طبیعت نیازمند امکانات تجربی و دیدن عکسهای طبیعت دیگر عکاسان، درک مجدد و علمی تر ترکیب بندی، تعدد کثرت محلهای مورد بازیابی عکاس و وقت و خیال آسوده است، آیا این ملزومات برای عکاس آماتور ایرانی در زمینه طبیعت فراهم است؟ به تنهایی موردی که می توان پاسخ مثبت داد منابع

تصویری عکاسان دیگر است که نباید اسلایدهای گل و بته تلویزیون را که روی آن ساعت را اعلام می دارند فراموش کرد. در باب تکنیک و تجربه عکاسی نیز سال پیش وضع بهتر بود. امسال فقط یک تصویرس مربوط به فرضیه نسبت انیشتین بود که

✱ در بخش دفاع مقدس به ندرت صحنه هایی از جنگ ارائه شده که استنباطی انسانی به دست دهند و بیانگر حالات روحی سربازان، مهاجران، آوارگان، اسیران و دیگر افراد درگیر با جنگ باشند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی



تکنیک درخشانی داشت و محتوی فنی عکس با موضوع آن تناسب داشت. در هر صورت با اوضاع مواد خام عکاسی این رشته و متون فنی عکاسی بازم نمی بایست شاهد حرکات درخشانی باشیم.

جشنواره در عرضه نمایشگاه نیز چندان درخشان نبود به نظر می رسید این نمایشگاه در کمال شتابزدگی ترتیب یافته، بین مشتریان مختلف نمایشگاه مکشها و عناوینی برای تفکیک وجود نداشت. در نتیجه بیننده بعد از ۱۰ دقیقه حرکت از میان عکسها متوجه می شد که از عنوان زندگی به فرهنگ و هنر رسیده و مرز این دو را نیز در نیافته است. قاب عکسهای خوبی در اختیار بوده اند لیکن قرار دادن عکس در قاب نیز مهم است. بعضی عکسها کج نصب شده بود، کاغذ زیر عکسها اکثرا چروک بود و از همه بدتر وجود دو یا سه عکس در یک قاب آنهم گاه از دو عکاس متفاوت. ظاهرا همه عکاسان باید بدانند که اگر می خواهند عکسهایشان در نمایشگاه بهتر عرضه شود. فقط یک تراز وجود دارد و آن چاپ عکسها در قطع بزرگ مثلا ۴۰ X ۳۰ سانتیمتر است، چرا که در این صورت حداقل عکسها مجرد و تک تک قاب خواهند شد. باوصف آنچه گفته شد ناروا نیست که استنباط کنیم برگزارکنندگان این نمایشگاه یا دانش چندان از عکاسی و قاب بندی ندارند یا احساس مسئولیتی در قبال ارائه عکسها نمی کنند.

سراجم پیشنهادهای بهمن جلالی در نقد کارهای جشنواره به نظر جامع و کامل می رسیدند که خلاصه آنها به شرح زیر است:

- ۱- بخش عکس و فیلم جشنواره باید جدا شود (که مسئولین جشنواره اعلام کرده اند از سال ۶۶ این کار را خواهند کرد).
- ۲- دفتر جشنواره در طول سال باز باشد تا عکاسان بتوانند زمان کافی برای ارائه عکسهایشان در اختیار داشته باشند.
- ۳- برنامه های نمایشگاه گسترده تر شود تا بتوان گونه های دیگر عکاسی و تعداد بیشتری عکس در معرض دید عموم قرار داد.
- ۴- برنامه ریزی برای مراکز تعلیم عکاسی (در ارتباط با سینمای جوان) وجود داشته باشد که مربیان آن بتوانند به هنر-جویان خود تعلیم دهند.
- ۵- از دانشجویان رشته های عکاسی دانشگاهها دعوت بعمل آید تا در ایام تعطیلی، طی بازدید از شهرستانها، روی پروژه واحدی مثل معماری کویری ایران کار کنند، تاهنجویان شهرستانی نیز در جریان کارهای مدون و علمی تری قرار گیرند و در نهایت عکسهایی با کیفیت مطلوب از این نوع موضوعات بدست آمده باشد.